



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸، صفحات ۲۲۹-۲۴۷

الزامات و پیامدهای تحول حکمرانی آموزش عالی در اروپا

علی صباغیان^۱

استادیار مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۱)

چکیده

این پژوهش در صدد پاسخگویی به این سؤال است که طی سه دهه گذشته چه عواملی کشورهای اروپایی را به اصلاح در روندهای حکمرانی عرصه آموزش عالی واداشته است و اصلاحات مورد نظر چگونه ظهور و بروز داشته و چه پیامدهای به جا گذاشته است؟ پژوهش با این فرضیه که الزامات داخلی و خارجی کشورهای اروپایی را به سمت تحول در حکمرانی نظام آموزش عالی و تحقق حکمرانی چندوجهی به جای حکمرانی صرفاً دولتی سوق داده است به بررسی موضوع پرداخته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که مسائل جهانی شدن، تغییر ماهیت اقتصاد جهانی، تشدید رقابت‌های اقتصادی از سوی شرکای اتحادیه و غلبه بر پیامدهای بحران اقتصادی به عنوان موضوعات و چالش‌های خارجی و رشد اقتصادی پایین، افزایش نرخ بیکاری، کهن سالی جامعه اروپا، تغییرات آب و هوایی و کمبود منابع انرژی و چالش‌های اجتماعی به عنوان عوامل داخلی موجب تحول در حکمرانی نظام آموزش عالی اروپا شده است. پیامدهای این تحول نیز در شکل پاسخگویی، رقابت پذیری، تحرک پذیری، بین‌المللی شدن، شبکه‌ای شدن و تخصصی شدن دانشگاه ظهور و بروز یافته است.

واژگان کلیدی: عالی، اروپا، حکمرانی، دانشگاه.

مقدمه

تغییر جهانی به سمت اقتصادها و جوامع دانش بنیان، دانش را در مرکز سیاست عمومی قرار داده و آموزش عالی را به سرعت به یک عرصه سیاستگذاری عمومی تبدیل کرده است. به موازات مواجه و آگاهی جوامع از چالش‌های بزرگی همچون تغییرات آب و هوایی، پیر شدن جمعیت و اهمیت یافتن امنیت غذایی انتظار سیاستگذاران از نظام‌های آموزش و پژوهش عالی برای ارائه راه‌حل‌های غلبه بر این چالش‌ها بیشتر شده است و آموزش عالی از جهات مختلف برای سایر حوزه‌های سیاستگذاری نیز اهمیت یافته است. در واقع آموزش عالی در سراسر جهان به طور روزافزون تحت فشار قرار گرفته تا راه‌حل‌های سیاستگذارانه به سایر عرصه‌های سیاستگذاری عمومی ارائه دهد. همچنین حرکت اقتصادها و جوامع به سمت جوامع دانش بنیان نقش آموزش عالی، پژوهش و نوآوری را در توسعه اقتصادهای ملی تقویت کرده است. این به معنای آن است که آموزش عالی به بخش جدایی‌ناپذیر گفتمان‌های سایر حوزه‌های سیاستگذاری تبدیل شده است (Chou, Jungblut, Ravinet, & Vukasovic, 2017:3-4). در اروپا نیز آموزش عالی در مسیر تحول قرار دارد. درحالی‌که در دهه‌های اولیه بعد از جنگ جهانی دوم این بخش یک ثبات نسبی در ساختارهای حکمرانی و سازمان‌های نهادی و ملی را تجربه کرده است، اخیر تحت تحولات شدیدی قرار گرفته است. تغییر از برنامه‌ریزی و مقررات سازی متمرکز دولتی در آموزش عالی به سمت اتکای روزافزون به رقابت‌های بازاری در اداره نهادهای آموزش عالی اروپایی قابل مشاهده است. اگر چه عمومی شدن آموزش عالی در این تحولات نقش دارد اما این امر نتیجه علائق رو به رشد برای کمک گرفتن از آموزش عالی برای اقتصاد دانش بنیان است (Amaral, Neave, Musselin, & Maassen, 2009). به موازات اقدام جمعی دولت‌های اروپایی برای دنبال کردن سیاست‌های ادغام اقتصادها، نظام‌های سیاسی و ساختارهای اجتماعی خود در یک اتحادیه بزرگتر و قدرتمندتر، به تدریج این امر برای آنها روشن شد که آموزش عالی یک عنصر حیاتی برای تحقق کامل روند همگرایی اروپا و بروز توانمندی‌های آن است. این ایده به نوبه خود به طراحی و ظهور اهداف جاه طلبانه برای تبدیل اروپا در بلندمدت به یک تولیدکننده و صادرکننده دانش منجر شد. در این راستا از دهه ۱۹۹۰ نرخ تغییرات در آموزش عالی اروپا به سطح غیرمنتظره‌ای افزایش یافته است. این تغییرات عمدتاً بر دوش سه تحول مهم یعنی بیانیه سوربن (۱۹۸۹)، بیانیه بولونیا (۱۹۹۹) که اهدافشان همسازتر کردن نظام‌های آموزش عالی و برنامه‌های درسی دانشگاهی در سراسر اروپا بود و نیز استراتژی لیسبون (۲۰۰۰) و سند اروپای ۲۰۲۰ (۲۰۱۰) که در پی تبدیل نظام‌های پراکنده قاره به یک اقتصاد دانش بنیان قوی و همگرا بود، قرار داشته است (Jongbloed, 2010: 8). برای تحقق این اهداف آماده‌سازی نظام

آموزش عالی کشورهای اروپایی به منظور تربیت نیروی انسانی مناسب ضروری بود. این امر نیز به نوبه خود تحول در شیوه حکمرانی و اداره نظام آموزش عالی در این کشورها را می‌طلبید. در این چارچوب در حال حاضر در سراسر اروپا، حکمرانی آموزش عالی تحت تغییرات عمیق قرار گرفته است. در پرتو فرایندهای همگرایی معاصر همچون فرایند بولونیا^۲ و گسترش مدیریت عمومی جدید، نهادهای داخلی آموزش عالی به طور روزافزونی تحت تأثیر رویکردهای رقیب درباره اینکه نظام‌ها و نهادهای آموزش عالی چگونه باید اداره شوند قرار گرفته است (Dobbins & Knill, 2014: 1). این مقاله درصدد پاسخگویی به این پرسش است که کشورهای اروپایی چرا به سمت تحول در حکمرانی نظام آموزش عالی حرکت کرده و این تحول چگونه تحقق یافته و پیامدهای آن چیست؟ مقاله با این فرضیه که الزام‌های داخلی و خارجی کشورهای اتحادیه اروپا را به سمت تحول در حکمرانی نظام آموزش عالی و تحقق حکمرانی چندوجهی به جای حکمرانی صرفاً دولتی سوق داده است به بررسی موضوع خواهد پرداخت. در این چارچوب ابتدا مفهوم حکمرانی در نظام آموزش عالی تبیین خواهد شد و سپس الزام‌ها، بسترها و ابزارهای تحول حکمرانی آموزش عالی در اروپا مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در بخش پایانی مقاله پیامدهای تحول حکمرانی نظام آموزش عالی در اروپا مورد کنکاش قرار خواهد. در پایان نیز نتیجه‌گیری مقاله ارائه خواهد شد.

حکمرانی چندگانه چارچوبی برای تحلیل حکمرانی جدید آموزش عالی در اروپا

معنای ساده حکمرانی عبارت است از فرایند تصمیم‌گیری و فرایندی که از طریق آن تصمیمات اجرا می‌شوند (یا اجرا نمی‌شوند). از آنجا که حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری و فرایند اجرای تصمیمات است، تجزیه و تحلیل حکمرانی بر بازیگران رسمی و غیررسمی دخیل در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات اتخاذ شده و ساختارهای رسمی و غیررسمی تعبیه شده برای نیل به این تصمیمات و اجرای آنها متمرکز است. بازیگران دخیل در حکمرانی بسته به سطح مورد بررسی متفاوت است. بنابراین ممکن است ما با طیف گسترده‌ای از بازیگران همچون نهادهای دولتی، سازمان‌های غیردولتی، مؤسسه‌های پژوهشی، رهبران دینی، نهادهای تأمین مالی، احزاب سیاسی و غیره سروکار داشته باشیم (www.unescap.org). حکمرانی تا حدودی از منظر ارتباط با سایر سازمان‌های اجتماعی ذیربط، نحوه تعامل آن‌ها با شهروندان و شیوه‌هایی که تصمیمات در یک جهان پیچیده بر اساس آن اتخاذ می‌شود، با حکومت ارتباط دارد. بر این اساس حکمرانی فرایندی است که جوامع یا سازمان‌ها از طریق آن، تصمیمات خود را اتخاذ

می‌کنند و تعیین می‌نمایند که چه کسانی باید در این فرایند دخیل باشند. بنابراین مفهوم حکمرانی را می‌توان در اشکال مختلف عمل جمعی مورد استفاده قرارداد (Graham, et al, 2003: 1-2). سخن گفتن از مفهوم حکمرانی در نظام‌های آموزشی چند نکته را آشکار می‌کند: اول اینکه نظام‌های آموزشی و اصلاح آنها توسط یک بازیگر مسلط مثل دولت و کارکنان اجرایی آن شکل نمی‌گیرد، بلکه بازیگران دیگری هم در شکل‌گیری یک نظام آموزشی دخیل هستند. یکی دیگر از ویژگی‌های چشم‌انداز حکمرانی این است که نظام‌های اجتماعی پیچیده همچون نظام‌های آموزشی باید به‌عنوان یک پدیده چند سطحی مورد توجه قرار گیرد. این مفهوم این امر را می‌رساند که همه بازیگران دخیل در فرایند حکمرانی به یک نحو باهم تعامل ندارند. علت آن است که منطق مداخله بازیگران یک سطح با منطق مداخله بازیگران سطح دیگر ممکن است تفاوت اساسی داشته باشد. براین اساس در امر توسعه و تحول نظام‌های آموزشی رویکرد چند سطحی توجه‌ها را به مسائل هماهنگی فرامرزی بین سطوح مختلف نظام معطوف می‌کند که مهم‌ترین مسئله در توسعه نظام است (Altrichter, 2015: 11-12). عوامل مؤثر بر کارکرد مؤسسه‌های آموزش عالی موجب شده است تا بازیگران متعددی در فرایند مدیریت این مؤسسات دخیل شوند و نوعی حکمرانی چندوجهی شکل بگیرد. برای حکمرانی مؤثر نظام آموزش عالی به توزیع وظایف بین ارکان مختلف برای تضمین اینکه آنها در شرایط بهینه انجام می‌شود، نیاز است. علاوه بر این، نظام نیازمند مجموعه‌ای از نظارت‌ها و کنترل‌های مناسب نیز هست (Krüger et al, 2018: 162). با توجه به پیچیدگی‌های نظام آموزش عالی، حکمرانی چند سطحی یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های تحلیلی برای فهم و تبیین حکمرانی جدید آموزش عالی در اروپا تلقی می‌شود. برخی از اندیشمندان بر جنبه‌های مفهومی، تجربی و هنجاری تاکید کرده و سه بعد حکمرانی چند سطحی را به شرح زیر پیشنهاد کرده است:

- ۱- بعد داخلی - بین‌المللی که بیانگر ظهور لایه‌های حکمرانی ورای مرزهای ملی است.
 - ۲- بعد مرکز- پیرامون که به واگذاری قدرت به بازیگران محلی و سازمان‌های کلیدی (در موضوع مورد مطالعه نهادهای آموزش عالی) متمرکز است.
 - ۳- بعد دولت- جامعه که به مداخله دولت و بازیگران غیردولتی مرتبط است. این به معنی آن است که مداخله بازیگران چندگانه فقط یک بعد از حکمرانی چند سطحی است.
- اگر چه حکمرانی چند سطحی^۳ به‌عنوان یک چارچوب تحلیلی مناسب برای فهم حکمرانی جدید آموزش عالی در اروپا مطرح است اما برخی از این سطح فراتر رفته و علاوه بر حکمرانی

چند سطحی به حکمرانی چند بازیگری^۴ و حکمرانی چند موضوعی^۵ اشاره کرده‌اند. از آنجا که سیاستگذاری در آموزش عالی صرف‌نظر از سطوح و بازیگران تنها به آموزش عالی مربوط نمی‌شود، این واقعیت که آموزش عالی به‌عنوان راه حل سیاستگذارانه برای سایر بخش‌ها مطرح می‌شود و اینکه مسائل سایر بخش‌ها گاهی به‌عنوان مسائل سیاستگذارانه به بخش آموزش عالی منتقل می‌شود (مثلاً پیدا کردن راه حل برای گرمایش جهانی یا نیازهای جامعه به انرژی) خود بر چالش‌های مهم هماهنگ‌سازی دلالت دارد. این موضوع را می‌توان جوانب چند مسئله‌ای حکمرانی نامید که از طریق این پرسش‌ها قابل نشان دادن است: ۱- کدام مسئله باید به طور انحصاری در بخش آموزش عالی بررسی شود. ۲- در کدام موضوعات بازیگران سایر بخش‌ها باید درگیر شوند. ۳- کدام مسائل در سایر بخش‌ها بهتر پاسخ داده می‌شود. بنابراین لازم است در حکمرانی آموزش عالی علاوه بر چندسطحی بودن و چندبازیگر بود، چندمسئله‌ای بودن نیز مد نظر قرار گیرد (Amaral, Neave, Musselin, & Maassen, 2009: 323-324).

الزام‌های تحول در حکمرانی آموزش عالی اروپا

در سه دهه اخیر تغییرات در ماهیت نظام بین‌الملل و ظهور چالش‌هایی خارجی همچون جهانی شدن، تغییر ماهیت اقتصاد جهانی، تشدید رقابت‌های اقتصادی از سوی شرکای اتحادیه و پیامدهای بحران اقتصادی از یک‌سو و بروز چالش‌های اقتصادی-اجتماعی در داخل اتحادیه اروپا همچون رشد اقتصادی پایین، افزایش نرخ بیکاری، کهن‌سالی جامعه اروپا، تغییرات آب و هوایی و کمبود منابع انرژی از سوی دیگر باعث شد تا اتحادیه اروپا نسبت به کارآمدی سیاست‌های اقتصادی خود تردید وارد ساخته و به سوی تحول در اقتصاد کلان حرکت کند. همچنین خود عرصه آموزش عالی نیز دچار تحولاتی شد که در کنار الزامات خارج از این بخش متحول کردن آن را بیش از پیش ضروری می‌کرد. تحولات سریع خارج از عرصه آموزش عالی که تأثیر عمیقی بر تحول سیاست‌های آموزش عالی در اروپا گذاشت را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

تحولات فناورانه: با ظهور انقلاب دیجیتال کاربرد فناوری‌های دیجیتالی و کلاً دیجیتالی شدن به نیاز اساسی برای جوامع تبدیل شد. تحولات اجتماعی: رشد نابرابری‌ها به نحوی که به کوچک شدن طبقات متوسط و رشد بی‌ثباتی طبقاتی انجامید، بحران دولت‌ها رفاهی سنتی، پیر شدن جمعیت، رشد کاهش جمعیت، افزایش بیکاری جوانان، چالش‌های سبک زندگی، بحران

4 - Multi-Actor Governance

5 - Multi-Issue Governance

پناهندگان از جمله رشد سریع تعداد آنها و نیز سخت شدن دیدگاه‌ها به آن‌ها در بسیاری از کشورهای اروپایی.

تحولات سیاسی: ظهور ایدئولوژی‌های پوپولیستی، به چالش کشیده شدن وضع موجود و دموکراسی‌ها، افزایش خشونت‌های افراط‌گرایانه، کاهش اجماع بر اصول اساسی سیاسی و اجتماعی،

تحولات اقتصادی: خارج شدن آهسته از رکود اقتصادی و بحران مالی (۲۰۰۸-۲۰۱۲)، ظهور حمایت‌گرایی، تشدید تنش میان قدرت‌های صنعتی قدیمی و نوظهور، وجود دیدگاه‌های به شدت متناقض درباره جهانی شدن.

تحولات فرهنگی: ظهور نوعی فرهنگ واپس‌گرایانه به ارزش‌های فرهنگی منسوخ‌شده. تحولات منطقه‌ای: حرکت اتحادیه اروپا به سمت آینده جدید درحالی‌که تنش‌های در درون اروپای بزرگتر رو به رشد است. شکل‌گیری موج‌های جدید جهانی شدن. چالش‌های برگزیت. علاوه بر تحولات خارج از عرصه آموزش عالی در درون بخش آموزش عالی پیکره‌بندی‌های جدیدی ایجاد شد که تغییر در فرایندهای حکمرانی در این بخش را ناگزیر کرده است. عرصه آموزش عالی اروپا شاهد کاهش مستمر جریان‌های ورودی دانشجوی به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی است. متعاقب روندهای قبلی عمومی شدن و جهانشمول شدن آموزش عالی، در حال حاضر تعداد دانشجویان به ویژه در بخش‌هایی از اروپا (اروپای مرکزی و شرقی) رو به کاهش نهاده است. همچنین رقابت بین مؤسسه‌های آموزش عالی جدید و قدیمی تشدید شده و ارائه‌کنندگان جدید خدمات آموزشی با ارائه خدمات متمایزتر مورد پسند دانشجویان ارائه‌کنندگان قدیمی را از نظر برنامه‌ها و اعتبار به چالش کشیده‌اند (Curaj, Deca, & Pricopie, 2018:3-4). با توجه به اینکه اتحادیه اروپا و رای بسیاری از تحولات ذکرشده در بالا منطق اقتصادی را مشاهده می‌کرد، بر این اساس نقطه عزیمت آن برای تحول نیز دستکم از منظر شکلی سمت و سوی اقتصادی دارد. در این چارچوب، تصویب اسناد «استراتژی لیسبون» در سال ۲۰۰۰ و «اروپای ۲۰۲۰» در سال ۲۰۱۰ که معطوف به ارکان اقتصاد دانش بنیان همچون دانش، تحقیق، نوآوری و کارآفرینی است، نمونه آشکار از تغییر رویکرد اتحادیه نسبت به سیاست‌های اقتصادی خود است (صباغیان و جوادی، ۱۳۹۷: ۳۴). مفاهیم کلیدی استراتژی لیسبون شامل مواردی همچون اقتصاد دانش بنیان، نوآوری، پارادایم‌های تکنو-اقتصادی، حکمرانی فناوری و شیوه‌های آزاد هماهنگی بود (www.ncpacademy.eu). رهیافت استراتژی لیسبون در زمینه آموزش، پژوهش و نوآوری مواردی همچون افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۱۰، شبکه‌سازی کشورها و طراحی برنامه‌های پژوهشی مشترک، فراهم‌سازی شرایط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در پژوهش، تأکید بر فناوری‌های جدید همچون

زیست‌فناوری و فناوری‌های زیست‌محیطی، رفع موانع بر سر راه تحرک پژوهشگران، جذب پژوهشگران باکیفیت به اروپا، فراهم نمودن زیرساخت‌های ارتباطی انجام پژوهش‌های سطح جهانی، افزایش مستمر منابع مالی اختصاص‌یافته به توسعه منابع انسانی، تقویت یادگیری مادام‌العمر، تطبیق مهارت‌ها با نیازهای جامعه دانش بنیان و... بود. (UNGUREANU & MARCU, 2006: 76-77) راهبرد اروپای ۲۰۲۰ علاوه بر سیاسی اروپا در عرصه آموزش عالی را افزایش داد. اهداف این راهبرد یعنی رشد هوشمند، پایدار و فراگیر از طریق سرمایه‌گذاری مؤثر در آموزش، پژوهش و نوآوری قابل دستیابی بود. از میان اهداف مهم این راهبرد افزایش محسوس تعداد جوانانی است که تحصیلات دانشگاهی را تمام می‌کنند. راه رسیدن به این هدف نیز در چارچوب راهبردی اروپایی برای همکاری در آموزش و یادگیری^۶ که در سال ۲۰۰۹ به تصویب شورای سران اروپا رسید، تدوین شده بود (http://www.europarl.europa.eu, 2019). اجرای اهداف سند اروپای ۲۰۲۰ مستلزم توجه جدی تصمیم‌گیران اتحادیه اروپا به تدوین و اجرای طرح‌های جدید در سه حوزه سیاستی مرتبط به هم یعنی «دانش»، «نوآوری» و «کارآفرینی» بود تا از این رهگذر امکان تحقق رشد اقتصادی، افزایش نرخ اشتغال، حفظ و بهبود رقابت‌پذیری صنایع و در نهایت رفع چالش‌های اجتماعی میسر شود. تحقق این اهداف نیازمند تحول در عرصه تولید علم و دانش و نیز پژوهش بود که فرایند بولونیا بستر مناسبی برای همگام‌سازی این عرصه‌ها فراهم می‌کرد.

فرآیند بولونیا بستر ساز تحول حکمرانی آموزش عالی در اروپا

بیانیه بولونیا در ۱۹ ژوئن ۱۹۹۹ توسط وزرای مسئول حوزه آموزش عالی از ۲۹ کشور اروپایی در شهر بولونیا ایتالیا امضا شد. البته ریشه این بیانیه در کنفرانسی که یک سال قبل در سوربن برگزار شد و بیانیه آن کنفرانس نهفته است. این رویدادها و سندهای تنظیم‌شده در آنها یک فرایند همکاری اروپایی را آغاز کرد که آموزش عالی را به شدت متحول نمود. شروع فرایند بولونیا در واپسین سال‌های قرن بیستم ناشی از این درک اروپا بود که بخش عمده‌ای از ناکارآمدی اقتصادی و ناتوانی کشورهای اروپایی در رقابت با قدرت‌های بزرگ اقتصادی همچون آمریکا و ژاپن ناکارآمدی‌های موجود در نظام آموزش عالی کشورهای این قاره است. براین اساس، جستجوی هرگونه راه حل برای رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشورهای اروپایی در گروه اصلاح نظام‌های آموزشی آنها قرار می‌گرفت. شروع فرایند بولونیا در سال ۱۹۹۹ شیوع راهبردها و مدل‌هایی را تسهیل کرد که هدف آن تقویت کارآمدی و شفافیت نظام‌های آموزش عالی

اروپایی بود. در نتیجه این شرایط حوزه سیاستگذاری آموزش عالی دیگر یک حوزه صرف سیاست داخلی تلقی نمی‌شد، بلکه به طور روزافزونی به عنوان یک روابط شبکه مانند با بازیگران جدید عمومی و خصوصی در سطوح فراملی، ملی و دانشگاهی تلقی می‌شد. فرایند بولونیا را می‌توان به عنوان پاسخ دسته جمعی اروپا به مجموعه‌ای از چالش‌های به هم پیوسته تلقی کرد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به ظهور اقتصاد دانش بنیان، کاهش رشد اقتصادی، فقدان جذابیت‌های دانشگاهی اروپایی، تغییرات جمعیتی و تأثیر جهانی شدن اشاره کرد (Dobbins & Knill, 2014: 4-5). اصلاحات ناشی از فرایند بولونیا حتی کشورهای فراتر از اروپا را نیز در برگرفت به طوری که اکنون تعداد کشورهایی که به طور رسمی به این فرایند پیوسته‌اند به ۴۸ کشور افزایش یافته است (European Commission/EACEA/Eurydice, 2018:17). بررسی مهم‌ترین تعهدات کنفرانس‌های وزیران فرایند بولونیا تا سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که چند موضوع اصلی همچون تحرک دانشجویان و کارکنان، یک نظام مدرک مشترک، بعد اجتماعی آموزش عالی، یادگیری مادام‌العمر، یک نظام اعتبارات اروپایی، تضمین کیفیت و تبدیل اروپا به یک منطقه دانش جذاب در این فرایند دنبال شده است. همچنین یادگیری و آموزش نیز به عنوان یک اولویت آشکار در بیانیه ابروان وزیران علوم کشورهای عضو فرایند بولونیا گنجانده شده است (www.ncfhe.gov.mt/en). رهیافت مشارکت جویانه خاص فرایند بولونیا به معنای آن است که نهادهای آموزش عالی، دانشجویان و شرکای اجتماعی همگی به طور فعالانه دخیل هستند. اصلاحات ناشی از فرایند بولونیا یک پویایی بالا در چشم‌انداز آموزش عالی اروپا ایجاد کرد و به طور مستمر تأثیر قابل توجهی بر نظام‌های آموزش عالی ملی گذاشته است (www.bmbf.de/en, 2019). فرایند بولونیا کمک بزرگی به کشورهای اروپایی در جهت تحول حکمرانی آموزش عالی کرده است. دولت‌های اروپایی تا حد زیادی از اجرای این فرایند برای اجرای اصلاحات در نظام‌ها و مسائل آموزش عالی خود در یک رهیافت چند سطحی استفاده کردند. گزارش مرکز مطالعات سیاست آموزش عالی^۷ با عنوان «گستره و تأثیر حکمرانی آموزش عالی در سراسر اروپا»^۸ اعلام کرده است که از اواخر دهه ۱۹۹۰ نرخ تغییرات تحت تأثیر سه تحول کلیدی یعنی بیانیه سوربن، بیانیه بولونیا و استراتژی لیسبون (۲۰۰۰) به سطوح بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. اولین موج اصلاحات روابط بین دولت و نظام‌های آموزش عالی را در نتیجه ظهور دولت‌های ارزیابی کننده، استقلال نهادی و تأکید بر تضمین کیفیت و پاسخگویی تغییر داد. همچنین تأکید بر تعامل بین مقیاس‌های تصمیم‌گیری و اجرای ملی و اروپایی نیز حضور گفتمان‌ها و سیاست‌های موازی در سطوح ملی و اروپایی را تحت‌الشعاع

7 - Center for Higher Education Policy Studies(CHEPS)

8 - The Extent and Impact of Higher Education Governance Reform Across Europe

قرارداد (Magalhães et al, 2012:6) اهمیت فرایند بولونیا در حرکت به سمت شکل‌گیری نظام‌های آموزش عالی مقایسه پذیرتر، همسازتر و منسجم‌تر در اروپا موجب شده تا اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۰ با تأسیس منطقه آموزش عالی اروپا^۹ به حمایت از این فرایند اقدام کند (http://www.europarl.europa.eu, 2019).

منطقه آموزش عالی اروپا؛ ابزار پیش‌برد اصلاحات

یکی از اقدامات مهم کشورهای اروپایی برای ایجاد تحول در مدیریت نظام آموزش عالی، شکل‌گیری منطقه آموزش عالی اروپایی^{۱۰} در سال ۲۰۱۰ است. در سال ۲۰۰۱ یعنی دو سال بعد از امضای بیانیه بولونیا و سه سال پس از بیانیه سوربن، وزیران آموزش عالی کشورهای عضو این فرایند (که در آن زمان ۳۲ کشور بودند) در ۱۹ مه آن سال به منظور بررسی پیشرفت‌های حاصله در فرایند بولونیا و نیز تدوین جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های آینده آن در پراگ گرد هم آمدند. یکی از اقدامات مهم در این اجلاس تاکید مجدد وزرا بر تأسیس منطقه آموزش عالی اروپا تا سال ۲۰۱۰ است. (TOWARDS THE EUROPEAN HIGHER EDUCATION AREA, 2001) در دهمین سالگرد شروع فرایند بولونیا در اجلاس بوداپست- وین وزیران آموزش عالی اروپا در مارس ۲۰۱۰ تأسیس آن اعلام شد. در بیانیه ۱۲ مارس ۲۰۱۰ بوداپست- وین در خصوص تأسیس منطقه آموزش عالی اروپا تصریح شده که ما وزیران مسئول آموزش عالی شرکت‌کننده در فرایند بولونیا در ۱۱ و ۱۲ مارس ۲۰۱۰ برای تأسیس منطقه آموزش عالی اروپا به نحوی که در بیانیه ۱۹۹۹ بولونیا ترسیم شده، گردهم آمدیم (European Higher Education Area, 2010) منطقه آموزش عالی اروپا یک همکاری منحصربه‌فرد بین‌المللی در عرصه آموزش عالی و نتیجه اراده سیاسی ۴۸ کشور دارای سنت‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و آکادمیک متفاوت است که در یک فرایند گام به گام یک منطقه اجرای مجموعه مشترکی از تعهدات شامل اصلاحات ساختاری و ابزاری‌های مشترک را ایجاد کرده است. ۴۸ کشور عضو این منطقه در خصوص اصلاحات آموزش عالی بر مبنای ارزش‌های کلیدی مشترک همچون آزادی بیان، استقلال نهادها، اتحادیه‌های دانشجویی مستقل، آزادی آکادمیک، جابجایی آزاد دانشجویان و کارکنان توافق کرده‌اند. کشورها، نهادها و ذینفعان منطقه آموزش عالی اروپا از طریق این فرایند به طور مستمر نظام‌های آموزش عالی خود را اصلاح می‌کنند و با افزایش همسازی آنها سازوکارهای تضمین کیفیت را تقویت می‌نمایند. هدف اصلی همه کشورهای عضو این منطقه، افزایش تحرک پذیری دانشجویان و کارکنان و تسهیل استخدام و پیدا کردن شغل

9 - European Higher Education Area (EHEA)

10 - The European Higher Education Area (EHEA)

است (www.ehea.info, 2019). یکی دیگر از برنامه های اتحادیه اروپا برای ایجاد تحول در عرصه آموزش، ایجاد منطقه اروپایی آموزش^{۱۱} تا سال ۲۰۲۵ است. کمیسیون اروپا در پیشنهادی که ۱۴ نوامبر ۲۰۱۷ با عنوان «تقویت هویت اروپایی از طریق آموزش و فرهنگ^{۱۲}» در آستانه نشست سران اروپا برای پارلمان اروپا، شورای وزیران، کمیته اقتصادی و اجتماعی و کمیته مناطق اتحادیه اروپا ارسال کرد، پیشنهاد تأسیس منطقه اروپایی آموزش را ارائه کرد. این سند که در واقع در دستورکار اجلاس سران اروپا در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۷ در گوتنبرگ قرار گرفت، تصویر یک منطقه اروپایی آموزش که دستورکار مهارت های جدید در اروپا را بنا خواهد نهاد و در ابتکارات مربوطه به جوانان سرمایه گذاری خواهد کرد ترسیم کرده است. در این سند تصریح شده که آموزش بخشی از راه حل برای اینکه تعداد بیشتری از افراد شغل های مناسب به دست آورند، نیازهای مهارتی اقتصادی پاسخ داده شود و تاب آوری مردم اروپا در عرصه تحولات سریع و عمیق ناشی از انقلاب فناوری و جهانی شدن تقویت شود (European Commission, 2017).

طرح دانشگاه های اروپایی

یکی از گام مهم دیگر اروپا برای متحول کردن نظام آموزش عالی ایجاد «دانشگاه های اروپایی^{۱۳}» است. دانشگاه های اروپایی ائتلاف های فرامرزی مؤسسه های آموزش عالی است که یک همکاری ساختاری بلندمدت ایجاد می کند و برنامه های نظام مند تحرک و دوره های آموزشی مشترک را ارائه می نماید. برای شکل گیری یک دانشگاه اروپایی دستکم باید ۳ مؤسسه آموزش عالی از سه کشور عضو اتحادیه اروپا یا سایر کشورهای مشمول برنامه اراسموس حضور داشته باشند. ایده اولیه شکل گیری دانشگاه های اروپایی از سوی امانوئل مکرون رئیس جمهور فرانسه در سخنرانی ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۷ در دانشگاه سوربن ارائه شد. او در این سخنرانی پیشنهاد تشکیل شبکه ای از دانشگاه ها در سراسر اروپا با برنامه های که تمامی دانشجویان ملزم به مطالعه در خارج و ارائه درس های به دو زبان باشد را مطرح کرد. این ایده مورد توجه نهادی اروپایی قرار گرفت و کمیسیون اروپا طرح جدید دانشگاه های اروپایی را در آستانه اجلاس اجتماعی گوتنبرگ در نوامبر ۲۰۱۷ به رهبران اتحادیه اروپا ارائه کرد (European Commission, 2017). در مصوبه اجلاس گوتنبرگ، سران اروپا بر اساس پیشنهاد کمیسیون از کشورهای عضو، شورای وزیران اتحادیه اروپا و کمیسیون اروپا درخواست شد تا ابتکارهای مختلفی در این جهت ارائه کند. از جمله الزام های شورای سران در این خصوص «تقویت مشارکت راهبردی بین مؤسسه های

11 - European Education Area

12 - Strengthening European Identity through Education and Culture

13 - European Universities

آموزش عالی در سراسر اروپا و ترغیب شکل‌گیری حدود ۲۰ دانشگاه اروپایی تا سال ۲۰۲۴ شامل شبکه‌های دانشگاهی در سراسر اتحادیه اروپا بود تا دانشجویان بتوانند از طریق تحصیلات ترکیبی در چند کشور عضو اتحادیه اروپا مدرک خود را اخذ کنند (<https://ec.europa.eu>). کمیسیون اروپا در اجرای این درخواست شورای سران، اولین مرحله فرایند شکل‌گیری دانشگاه‌های اروپایی را از طریق فراخوانی از دانشگاه‌های و مؤسسه‌های آموزش عالی اروپایی متقاضی برای ورود به این شبکه آغاز کرد و روز ۲۶ ژوئن ۲۰۱۹ اروپا نتیجه بررسی اولین فراخوان برای تشکیل «دانشگاه‌های اروپایی» را اعلام کرد. در بیانیه کمیسیون اروپا با عنوان انتخاب اولین ۱۷ دانشگاه‌های اروپایی: گام بزرگی به سمت شکل‌گیری یک منطقه اروپایی آموزش، اعلام‌شده که از ۵۴ درخواست بررسی‌شده، ۱۷ دانشگاه‌های اروپایی شامل ۱۱۷ مؤسسه آموزش عالی از ۲۴ کشور عضو بر مبنای ارزیابی‌های صورت گرفته توسط گروهی از متخصصان مستقل، انتخاب شدند. هر یک از این مؤسسه‌ها طی سه سال آینده تا ۵ میلیون یورو بودجه دریافت خواهند کرد تا بتواند برنامه‌های خود را اجرا کنند و راه را برای شکل‌گیری سایر مؤسسه آموزش عالی اروپایی هموارسازند (European Commission, 2019). مؤسسه‌های انتخاب‌شده در اولین مرحله شکل‌گیری دانشگاه‌های اروپایی از نظر قلمرو کاری، حوزه تمرکز و شکل ساختاری متفاوت هستند که وظیفه آنها همکاری برای تحقق مفهوم دانشگاه‌های اروپایی است. در این چارچوب دولت‌های ملی اروپایی باید بررسی و حذف موانع قانونی و اداری موجود بر سر راه همکاری‌های دانشگاهی فرامرزی در اروپا را مورد توجه قرار دهند.

آثار و پیامدهای تحول حکمرانی آموزش عالی در اروپا

تحول در حکمرانی عرصه آموزش عالی در اروپا پیامدهای زیادی دارد. به برخی از این پیامدها همچون پاسخگویی، رقابت‌پذیری، تحرک‌پذیری، بین‌المللی شدن، شبکه‌ای شدن و تخصصی شدن دانشگاه در زیر اشاره می‌شود.

۱- **پاسخگویی:** با توجه به چند وجهی شدن حکمرانی آموزش عالی در اروپا، مسئله پاسخگویی آموزش عالی به شرکای اجتماعی و تأمین‌کنندگان مالی اکنون به یک اصل تردیدناپذیر در سیاستگذاری آموزش عالی در جامعه دانش بنیان تبدیل شده است. از لحاظ مالی این امر بیانگر ارزش قائل شدن برای پول و صرفه‌جویی مؤثر است و از لحاظ غیرمالی به‌عنوان پاسخگویی اجتماعی و مشارکت اجتماعی تعبیر می‌شود. این امر بر مشارکت جامعه در حوزه آموزش عالی و تلقی آموزش عالی به‌عنوان یک کالای عمومی تأکید دارد (Brennan & Shah, 2011 : 41). حضور بازیگران مختلف در عرصه حکمرانی آموزش عالی و متنوع سازی منابع مالی پاسخگویی

مؤسسه‌های آموزش عالی اروپا را برای آنها الزامی کرده است. این وضعیت موجب شده است تا سال ۲۰۱۵ سند «استاندارها و دستورالعمل تضمین کیفیت در منطقه آموزش عالی اروپا»^{۱۴} تصویب شود. این سند شاخص‌های عینی را برای تضمین کیفیت از طریق پاسخگویی و استقلال تدوین کرده و مقرراتی را مربوط به مرتبط کردن فرایندهای تضمین کیفیت داخلی و خارجی ارائه کرده است. (Sursock, 2018:2)

۲- رقابت پذیری: با توجه به حضور بخش‌های غیردولتی در تأمین منابع مؤسسه‌های آموزش عالی و گسترش رقابت بین مؤسسه‌های آموزش عالی جهان، اتحادیه اروپا نیز توجه جدی به بحث رقابت‌پذیری در عرصه آموزش عالی کرد. در این چارچوب در سال ۲۰۰۱ اولین گزارش اروپایی در خصوص مواجهه با چالش‌های رقابت جهانی در آموزش عالی منتشر شد. این گزارش با صراحت به شیوع رهیافت‌های بازار - محور و بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها در انگلیس، آلمان، فرانسه و هلند اشاره دارد و بر جذب تعداد بیشتری دانشجویان از سایر مناطق جهان تأکید کرده است. این گزارش در واقع مبنای برای شکل‌گیری برنامه اراسموس^{۱۵} در سال ۲۰۰۲ و ایجاد منطقه آموزش عالی اروپا^{۱۶} و منطقه پژوهش اروپا^{۱۷} به‌عنوان بخش وسیع تری از استراتژی لیسبون که هدف آن تبدیل اروپا به رقابتی‌ترین و پویاترین اقتصاد دانش بنیان جهان تا سال ۲۰۱۰ بود، شد. (Wende, 2009:4)

۳- تحرک پذیری: در بیانیه وزیران آموزش عالی کشورهای اروپایی که در ۱۹ مه ۲۰۰۱ در پراگ برگزار شد در خصوص تحرک پذیری آمده است: وزیران تأکید کردند که هدف بهبود تحرک پذیری دانشجویان، اساتید، پژوهشگران و کارکنان اجرایی به نحوی که در بیانیه بولونیا آمده است دارای اهمیت زیادی است. بنابراین وزیران بر تعهد خود بر پیگیری رفع تمامی موانع فرا روی نقل و انتقال دانشجویان، اساتید و پژوهشگران و کارکنان اجرایی را مورد تأیید قرار داده و بر بعد اجتماعی تحرک پذیری تأکید می‌کنند. (European Ministers in charge of Higher Education, 2001)

تقویت تحرک دانشجویان یک هدف محوری منطقه آموزش عالی اروپایی و یک اولویت مهم سیاستگذاری در دستورکار اتحادیه اروپا برای نوسازی آموزش عالی است. از منظر شورای سران اروپا تحرک دانشجویان «یکی از روش‌های بنیادی است که جوانان از طریق آن می‌توانند به دست آوردن شغل آینده و نیز آگاهی فکری، توسعه فردی، خلاقیت و

14 - Standards and Guidelines for Quality Assurance in the European Higher Education Area (ESG)

۱۵- اراسموس ERASMUS برنامه بورس آموزشی است که جامعه اروپا آن را در سال ۱۹۸۷ تدوین کرد که در آن می‌بایستی دانشگاه‌های اروپایی با اعطای بورس‌های تحصیلی نیروی انسانی جوان از کشورهای غیر اروپایی جذب کنند. این برنامه تاکنون دچار تحولات زیادی شده است و اکنون با نام اراسموس پلاس تحت حمایت اتحادیه اروپاست که با هدف سازمان دهی تبادل دانشجو بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اروپا و سایر نقاط جهان فعال است.

16 - European Higher Education Area (EHEA)

17 - European Research Area (ERA),

شهروند فعال خود را تقویت کنند». در سطح نهادی، جذب دانشجویان از سایر کشورها می‌تواند بهبود کیفیت مؤسسه‌ها آموزش عالی و توانایی آنها برای به‌کارگیری پژوهشگران بااستعداد و نیز بهبود کیفیت آموزش عالی شود. اتحادیه اروپا که از دهه ۱۹۸۰ از طریق برنامه اراسموس و اراسموس پلاس در پی تقویت تحرک پذیر دانشجویان بود تاکنون بیش از سه میلیون دانشجوی برای در تحصیل در خارج را قادر به تحرک کرده است. همچنین این اتحادیه هدف انجام ۲۰ درصد تحصیلات تکمیلی در خارج را تا سال ۲۰۲۰ تدوین کرده است. (Lepori, n.d) طی دو دهه گذشته تحرک دانشجویان ابعاد گسترده‌ای یافته است. تحرک دانشجویان در شرایط کنونی اروپا با قبل تفاوت اساسی دارد. این امر امروزه به یک ابزار سیاستگذاری تبدیل شده که هدف از آن آگاه‌سازی نسل‌های جوان تر از فرصت‌هایی که اروپا ارائه می‌کند و فراهم نمودن یک تجربه آموزشی فراتر از محدودیت‌های که در فضای ملی کشورهای وجود دارد، است. طبق برنامه‌های تحرک دانشجویان اروپا (اراسموس - لئوناردو - سقراط^{۱۸}) تحرک به‌عنوان یک بخش از تجربه دانشجویی مورد پذیرش قرار گرفته است. همچنین تحرک دانشجویان به‌عنوان شاخصی مفید برای نشان دادن پویایی و کارآمدی دانشگاه‌های تبدیل شده است و نشانه‌ای از بین‌المللی شدن آنها نیز محسوب می‌گردد. (Amaral et al, 2009 :32)

۴- بین‌المللی شدن: در اروپا فرایند بولونیا موجب شد تا کشورهای عضو در چارچوب مصوبات بین‌حکومتی اصلاحات اساسی در نظام‌های آموزش عالی خود ایجاد کنند. با بین‌المللی کردن سیاست آموزش از طریق اتحادیه اروپا شیوه‌های جدید حکمرانی ایجاد شد و بازیگران غیردولتی جدید در فرایند سیاستگذاری آموزش عالی دخیل شدند. همچنین ارتباط بین دولت و جامعه و ارتباط آنها در عرصه آموزش نیز به شدت دچار بازاندیشی شد (Amaral et al, 2009 : 80-81). فرایند بولونیا به‌عنوان مهم‌ترین فرایند اصلاح نظام آموزش عالی اروپا علاوه بر تأثیری که در هماهنگ‌سازی و نوسازی نظام‌های آموزش عالی اروپا ایفا کرده نقش مهمی نیز در بین‌المللی سازی آن داشته است. این فرایند از طریق برنامه اروپایی برای پژوهش (افق ۲۰۲۰ و برنامه‌های قبل از آن) و برنامه اروپایی برای آموزش (اراسموس پلاس و برنامه‌های قبل از آن) کمک بزرگی به بین‌المللی کردن آموزش عالی اروپا و مطرح کردن آن در سطح جهان داشته است. اگر ۲۵ سال قبل تمرکز سیاست‌های بین‌المللی سازی آموزش عالی برای انتقال دانشجویان برای تحصیل در کشورهای اروپا معطوف بود اما از پایان دهه ۱۹۹۰ تجدیدنظری در این خصوص صورت گرفت و با شکل‌گیری رهیافت جدیدی به نام بین‌المللی کردن در خانه^{۱۹} توجه عمده‌ای به دانشجویانی که امکان انتقال ندارند، معطوف شد. در این چارچوب بین‌المللی کردن برنامه‌های

18 - Erasmus, Leonardo, Socrates

19 - Internationalization at home

درسی و نیز بین‌المللی کردن در خانه به‌عنوان دو رهیافت به هم پیوسته به بخش مهمی از دستورکار کمیسیون اروپا، دولت‌های اروپایی و نهادهای آموزش عالی اروپا تبدیل شد. (Curaj, Deca, & Pricopie, 2018: 17-18). اگر چه امروزه مسائل مالی و انگیزه‌های مالی نقش مهمی در کشیده شدن دانشگاه‌های اروپا به سمت بین‌المللی شدن دارد اما علاوه بر این عامل، دانشگاه‌های اروپایی بین‌المللی شدن را به‌عنوان یک راهبرد مناسب برای افزایش خصیصه‌های بازاری، ایجاد تصویر بین‌المللی، ایجاد تنوع و فراهم نمودن فرصت‌های جدید درآمذایی، فراهم نمودن فرصت برای دانشجویان خارجی جهت کسب دانش حرفه‌ای و تجربه سایر فرهنگ‌ها و نظام‌های آموزشی و نیز فراهم نمودن فرصت مناسب برای اعضای هیات علمی برای انجام تحقیقات بین‌رشته‌ای و تقویت تجربه‌های آنها تلقی می‌کنند. در حال حاضر بین‌المللی شدن آموزش عالی به یک دستور کار اصلی در سطح کشورهای و کل منطقه اروپا تبدیل شده است. نتایج بررسی‌های انجام‌شده توسط انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها^{۲۰} و نیز انجمن اروپایی آموزش بین‌المللی^{۲۱} نشان داده است که بین‌المللی شدن یک تصویر مشوق در اروپا را نشان می‌دهد. همچنین بررسی‌های اتحادیه بین‌المللی دانشگاه‌ها نشان داده که اروپا مهم‌ترین منطقه جهان از منظر فعالیت‌های بین‌المللی نهادینه آموزش عالی است (de Wit, Hunter, Howard, & Polak, 2015:32).

۵- شبکه‌ای شدن: یکی از پیامدهای تحول حکمرانی آموزش عالی ایجاد شبکه‌های فراملی سیاستگذاری حوزه آموزش عالی اروپایی است. اقدامات کمیسیون اروپا در عرصه آموزش عالی ارتباطات چند سطحی اروپایی کردن آموزش عالی را نشان داد. دخالت اتحادیه اروپا در عرصه سیاستگذاری آموزش عالی به تدریج مبنایی برای شکل‌گیری شبکه‌های مختلف را فراهم کرد. به‌عنوان نمونه یکی از این شبکه‌های که در سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۰ ایجاد شد، شبکه تضمین کیفیت ملی بود که با محوریت کمیسیون اروپا شکل گرفت. این شبکه ارتباط نزدیکی با فرایند بولونیا و اجرای آن دارد. همچنین مصوبات کنفرانس سال ۲۰۰۳ وزیران بولونیا در برلین اختیارات بیشتر به این شبکه در خصوص ایجاد یک نظام ارزشیابی مؤسسه‌های ملی تضمین کیفیت و نیز ایجاد و تدوین مجموعه‌های از استانداردها و رویه‌ها برای نظام‌های تضمین کیفیت ملی اعطا کرد (Amaral, et al, 2009: 121-122). به دلیل اهمیت شبکه‌سازی در عرصه آموزش عالی اروپا این امر به‌عنوان یک دستورکار ثابت در دستورکار نهادهای سیاستگذار و نیز عرصه پژوهش‌های علمی بوده است. در این زمینه همایش‌های زیادی در این زمینه برگزار شد که همایش روسای

20 - International Association of Universities (IAU)

21 - European Association for International Education

دانشگاه‌های اروپا با عنوان «شبکه‌سازی شبکه‌های دانشگاهی: هم‌افزایی مشارکت^{۲۲}» که روزهای ۲۴ و ۲۵ مه ۲۰۱۸ در دانشگاه بلگراد برگزار شد از جمله آن است. دامیر بوراس^{۲۳} رئیس دانشگاه زاگرب در این همایش در خصوص گسترش شبکه‌ای شدن دانشگاه‌های اروپایی گفته است: در شرایط جهانی شدن، بین‌المللی شدن و اصلاحات گسترده در سراسر اروپا دانشگاه‌های اروپایی که معمولاً عادت به رقابت با یکدیگر بر سر جذب دانشجو، منابع مالی، بهترین استعدادها و بهترین منابع پژوهشی داشتند، اکنون در پی مشارکت خارج از مرزها کشورهاشان به منظور فائق آمدن بر چالش‌ها و بهره‌مندی از فرصت‌هایی که بین‌المللی شدن و اروپایی شدن آموزش عالی فراهم کرده هستند. همچنین طرح ایجاد شبکه دانشگاه‌های اروپایی که به سرعت در سراسر اروپا مورد حمایت قرار گرفت؛ از جمله اقدامات اساسی در عرصه شبکه‌سازی در عرصه آموزش عالی اروپایی به شمار می‌رود. ایجاد شبکه‌ای متشکل از ۲۰ دانشگاه اروپایی تا سال ۲۰۲۴ که از سوی بسیار از بازیگران فعال در عرصه آموزش عالی مورد قبول واقع شده موجب افزایش تعداد دانشجویان و پژوهشگران در چارچوب برنامه اراسموس پلاس و نیز حمایت از ایجاد و اجرای تعداد زیادی برنامه‌های مشترک فرامرزی و بین‌رشته‌ای و چند رشته‌ای بین کشورهای عضو باهدف تأمین نیازهای دانشجویان و مبتنی بر شیوه‌های ابتکاری شده است. علاوه بر این، این ابتکار در پی آن است تا ارتباط بهتری بین آموزش، پژوهش و کسب مهارت‌های آسان از طریق کار ایجاد کند (Boras, 2018).

۶- تخصصی شدن دانشگاه‌ها: یکی از آثار تحول در حکمرانی آموزش عالی اروپا حرکت به سمت تخصصی شدن دانشگاه‌ها در سراسر اروپاست. در حال حاضر از آنجا که آموزش عالی بیش از یک کالای با مصرف خصوصی تلقی می‌شود و تولید علم به‌عنوان محور رقابت جهانی اقتصاد دانش بنیان محسوب می‌شود، دانشگاه‌ها در اروپا به‌عنوان یک عرصه راهبردی مهم برای سیاستگذاری ملی و فراملی مورد توجه قرار دارند. از آنجا که دانشگاه‌ها بیشتر به‌عنوان یک بخش مهم نظام (منطقه‌ای، ملی، اروپایی) نوآوری تلقی می‌شوند. امروزه تقاضاهای ارائه شده به دانشگاه دیگر مثل سابق باز تولید نخبگان دانشگاهی و غیره، آموزش متخصصان حرفه‌ای و کمک به تحقیقات بنیادی نیست. اگر چه این کارکردها هنوز هم مهم است اما به دلیل تحول کارکردها و ایجاد نقش‌های جدید برای دانشگاه‌ها از آن موارد به‌عنوان نقش‌های قدیمی یاد می‌شود. در فرایندهای گسترش کیفی و کمی، روابط دانشگاه با جامعه به شدت گسترش یافته است. امروزه تقاضاهای جدیدی از سوی جامعه به سمت دانشگاه سرازیر می‌شود که نیازمند پژوهش، آموزش و خدمات است. اگر به طور سنتی کارکرد آموزش و پژوهش عرصه آموزش

22 - Networking of University Networks: Synergy of Partnership

23 - Damir BORAS

عالی معطوف به کار فارغ التحصیلان، اجرای علم، انتقال فناوری و عمومی کردن دانش در یک سطح فرهنگ گسترده بود، امروزه در اروپا از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود به خط مقدم میانجیگری دانش جهانی و عرصه‌های محلی، بین اکتشاف و اجرا، بین آموزش و کار حرکت کنند. این امر و بار گزاری هادی فراوان بر روی دانشگاه آن را به یک نهاد حساس تبدیل کرده است که به سادگی قادر به تحمل آن و پاسخگویی به نیازها و تقاضاهای روزافزون جامعه نیست. در سراسر اروپا در چارچوب تحول عرصه آموزش عالی حل این مشکل را در تنوع بخشی و طبقه بندی کردن و تخصصی نمودن چشم انداز آموزش عالی یافته اند (Amaral et al, 2009: 165-166). دستورکار اروپا برای نوسازی آموزش عالی بر ضرورت تنوع بخشی به مؤسسه های آموزش عالی تأکید دارد. در حال حاضر مؤسسه های آموزش عالی تخصصی که تعداد قابل توجه از کل مؤسسه های آموزش عالی اروپا را تشکیل می دهد همچنان رو به رشد است اگر چه بخش عمده ای از مؤسسه های آموزش عالی تخصصی در بخش عمومی ایجاد شده است اما بخش خصوصی نیز بنا بر نیازهای بازار به میدان تأسیس مؤسسه های آموزش عالی تخصصی در اروپا ورود کرده است. (Schuste, n.d) جدول شماره یک توزیع انواع مؤسسه های آموزش عالی را نشان می دهد.

جدول شماره ۱ - تعداد مؤسسه های آموزش عالی، دانشجویان و اعضای هیأت علمی طبق سطح تخصصی شده

درجه تخصصی شدن	تعداد مؤسسه های آموزش عالی	تعداد کل دانشجویان	تعداد دانشجویان دکتری	تعداد اعضای هیأت علمی
عمومی (Generalist)	۷۵۶	۱۱۵۳۰۳۷۴	۱۰۰۳۶۴	۷۰۱۴۳۶
متمرکز شده (Focused)	۶۸۰	۳۴۵۳۵۷۹	۱۶۶۳۵	۱۷۷۱۹۰
تخصصی شده (Specialised)	۶۳۶	۹۹۹۷۰۶	۴۸۳۴	۶۹۵۹۷
جمع	۲۰۷۲	۱۵۹۸۳۶۵۹	۱۲۱۸۳۰	۹۴۸۹۴۳

منبع: Schuste, n.d

نتیجه گیری

آموزش عالی در اروپا تحت تأثیر چالش های مختلف به یک عرصه مهم سیاستگذاری عمومی تبدیل شده است. عوامل مختلفی همچون عمومی شدن آموزش عالی و مشارکت تعداد بیشتری از مردم در عرصه آموزش عالی موجب شده که انتظار سیاستگذاران از نظام های آموزش و پژوهش عالی برای ارائه راه حل های غلبه بر این چالش ها بیشتر شود. اکنون آموزش عالی در

اروپا به طور روزافزون تحت فشار قرار گرفته تا راه‌حل‌های سیاستگذارانه به سایر عرصه‌های سیاستگذاری عمومی ارائه دهد. تحقق چنین انتظاری مستلزم تحول در نظام آموزش عالی و همساز کردن آن با نیازها عینی جوامع است. اروپا با درک جایگاه و نقش نظام آموزش عالی در پاسخگویی به نیازهای جامعه و رفع عقب‌ماندگی‌ها در مقایسه با سایر بخش‌های توسعه‌یافته جهان، در سه دهه گذشته حرکت اساسی و مستمر برای تحول در حکمرانی نظام آموزش عالی آغاز کرد. الزام‌های درونی و بیرونی کشورهای اروپایی را بر آن داشت تا در یک حرکت جمعی در چارچوب سند استراتژی لیسبون و نیز سند چشم‌انداز اروپای ۲۰۲۰ و نیز از طریق فرایند بولونیا بستر تحول آموزش عالی را فراهم کنند. براین اساس، حکمرانی آموزش عالی اروپا که برای مدت‌ها در سیطره دولت‌ها قرار داشت متحول شد و نوعی حکمرانی چندوجهی متشکل از شرکای همچون دولت، بازار، جامعه، دانشگاه و خانوار شکل گرفت که در سه سطح محلی، ملی و فراملی درگیر فعالیت‌های حکمرانانه همچون تأمین مالی، مالکیت، تدارکات و تدوین مقررات هستند. در این چارچوب شکل‌گیری ساختارهای نهادی جمعی همچون منطقه آموزش عالی اروپا در سال ۲۰۱۰، تأسیس دانشگاه‌های اروپایی تا سال ۲۰۲۴ و ایجاد منطقه اروپایی آموزش تا سال ۲۰۲۵ نقش مهمی در متحول کردن حکمرانی آموزش عالی در اروپا دارد. ایجاد تحول در حکمرانی آموزش عالی اروپا نیز پیامدهای کارکردی در عرصه آموزش عالی و دانشگاه‌های کشورهای اروپایی بر جا گذاشت که افزایش پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، تقویت رقابت‌پذیری، افزایش تحرک‌پذیری، شبکه‌ای شدن، بین‌المللی شدن و تخصصی شدن دانشگاه‌های اروپا از جمله آن‌هاست.

منابع

۱- صباغیان، علی و جوادی، محمود (۱۳۹۷). اقتصاد دانش بنیان در اتحادیه اروپا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- 2- Adrian Curaj, Peter Scott, Lazăr Vlasceanu, Lesley Wilson. (2012). European Higher Education at the Crossroads: Between the Bologna Process and National Reforms. London: Springer.
- 3- Altrichter, H. (2015). Governance in Education: Conceptualisation, Methodology, and Research Strategies for Analysing Contemporary Transformations of Teacher Education. Wiesbaden: Springer.
- 4- Amaral, A., Neave, G., Musselin, C., & Maassen, P. (2009). European Integration and the Governance of Higher Education and Research. London: Springer.
- 5- António Magalhães, Amélia Veiga, Sofia Sousa & Filipa Ribeiro. (2012). How is European governance configuring the EHEA? European Journal of Higher Education, 1-16.
- 6- Boras, D. (2018). Why University Networks Matter? – Role and Impact in EU and South East Europe. Belgrade: University of Belgrade.
- 7- Chou, H. M., Jungblut, J., Ravinet, P., & Vukasovic, M. (2017). Higher education governance and policy: an introduction to multi-issue, multi-level and multiactor dynamics. Policy and Society, 36 (1), 1–15.
- 8- Clementina IVAN-UNGUREANU & Monica MARCU. (2006). The Lisbon Strategy. Romanian Journal of Economic Forecasting, 74-83.

- 9- Commission, E. (2017). Strengthening European Identity through Education and Culture. Strasbourg: European Commission.
- 10- Commission, European. (2019). First 17 European Universities selected: a major step towards building a European Education Area. Brussels: European Commission - Press release.
- 11- Curaj, A., Deca, L., & Pricopie, R. (2018). European Higher Education Area: The Impact of Past and Future Policies. Switzerland: Springer.
- 12- de Wit, H., Hunter, F., Howard, L., & Polak, E. E. (2015). Internationalisation of Higher Education. Brussels: European Parliament.
- 13- Dobbins, Michael & Christoph Knill. (2014). Higher Education Governance and Policy Change in Western Europe. London: Palgrave Macmillan.
- 14- Education, E. M. (2001). TOWARDS THE EUROPEAN HIGHER EDUCATION AREA. Prague : Communiqué of the meeting of European Ministers in charge of Higher Education .
- 15- Erkkilä, T. (2013). Global University Rankings: Challenges for European Higher Education. New York: Palgrave Macmillan.
- 16- European Commission. (2019, 6 26). Retrieved 7 6, 2019, from http://europa.eu/rapid/press-release_IP-19-3389_en.htm: http://europa.eu/rapid/press-release_IP-19-3389_en.htm
- 17- European Commission/EACEA/Eurydice. (2018). The European Higher Education Area in 2018: Bologna Process Implementation Report. Luxembourg: Publications Office of the European Union.
- 18- European Higher Education Area. (2010). Budapest-Vienna Declaration on the European Higher Education Area. Budapest and Vienna: European Higher Education Area.
- 19- Graham, John, Bruce Amos, Tim Plumptre. (2003). Principles for Good Governance in the 21. Ottawa: Institute On Governance.
- 20- <http://www.europarl.europa.eu>. (2019, 7 3). Retrieved 7 3, 2019, from <http://www.europarl.europa.eu/factsheets/en/sheet/140/higher-education>
- 21- <https://ec.europa.eu>. (n.d.). Retrieved 7 6, 2019, from European Universities Initiative: https://ec.europa.eu/education/education-in-the-eu/european-education-area/european-universities-initiative_en
- 22- <https://www.bmbf.de/en>. (2019, 1 28). Retrieved 1 28, 2019, from <https://www.bmbf.de/en/the-bologna-process-1421.html>
- 23- John Brennan & Tarla Shah. (2011). Higher Education and Society in Changing Times: looking back and looking forward. Enschede: Center for Higher Education Policy Studies.
- 24- Jongbloed, B. (2010). Funding higher education: a view across Europe. Brussels: European Centre for Strategic Management of Universities.
- 25- Karsten Krüger, Martí Parellada, Daniel Samoilovich, Andrée Surssock. (2018). Governance Reforms in European University Systems. Switzerland: Springer International Publishing.
- 26- Lepori, B. (n.d). What ETER tells us about student mobility in European higher education. brussel: The European Tertiary Education Register.
- 27- Michael Dobbins & Christoph Knill. (2014). Higher Education Governance and Policy Change: International Challenges to Historical Institutions. New York: Palgrave Macmillan.
- 28- Schuste, D. W. (n.d). What ETER tells us about subjectspecialisation in European higher education. Brussels: European Tertiary Education Register.
- 29- Surssock, A. (2018). Autonomy and Accountability in Higher Education, Western Europe. In J. Shin, & P. Teixeira, Encyclopedia of International Higher Education Systems and Institutions. pringer.
- 30- TOWARDS THE EUROPEAN HIGHER EDUCATION AREA. (2011, 5 19). Retrieved 7 5, 2019, from <http://www.ehea.info>: http://www.ehea.info/Upload/document/ministerial_declarations/2001_Prague_Communique_English_553442.pdf
- 31- Wende, M. v. (2009). EUROPEAN RESPONSES TO GLOBAL COMPETITIVENESS. BERKELEY: UNIVERSITY OF CALIFORNIA, BERKELEY.
- 32- www.ehea.info. (2019, 7 1). Retrieved 7 1, 2019, from <http://www.ehea.info>
- 33- www.ncfhe.gov.mt/en. (n.d.). Retrieved 1 29, 2019, from <https://www.ncfhe.gov.mt/en/Documents/Projects/Promoting%20the%20Bologna%20Process%20in%20Malta/Infosheet%20Overview%20of%20the%20Bologna%20Process.pdf>

34- www.ncpacademy.eu. (n.d.). Retrieved 1 29, 2019, from Timeline of Key Milestones in European research cooperation: <http://www.ncpacademy.eu/wp-content/uploads/2016/11/Key-Events.pdf>

35- www.unescap.org. (Sheng, Yap Kioe). What is Good Governance? Retrieved 1 5, 2019, from <https://www.unescap.org/sites/default/files/good-governance.pdf>.